

روس‌ها شادمان از غیبت شرکت‌های غربی در ایران

## روسیه، جایگاه ژئواکونومیک در منطقه

### اروپا، بازنده مسابقه

گاز ایران، فرصتی برای اروپا و تهدیدی برای روسیه است. تحریم صنعت نفت و گاز ایران طی دوران ریاست جمهوری جرج بوش، همواره یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی این کشور در حوزه انرژی بوده است. از آنجایی که شرکت‌های آمریکایی هیچ حضوری در صنعت نفت و گاز ایران ندارند، دولت بوش همیشه فشار بر شرکت‌های اروپایی را که نقش پررنگ‌تری در صنعت نفت و گاز ایران داشته‌اند، در دستور کار خود قرار داده است. این سیاست هرچند در مواردی با موفقیت‌هایی نیز برای آمریکا همراه بوده، ولی به طور قطع می‌توان گفت که متضرر اصلی در این میان اتحادیه اروپا است.

صنعت نفت ایران، هرچند به واسطه تحریم‌های مختلف آمریکا با مشکلاتی مواجه بوده و هست ولی در حقیقت همین تحریم‌ها منجر به توسعه ظرفیت‌های انسانی و مادی، برای نیل به خودکفایی و افزایش کارایی صنعت نفت ایران شده و کشور را قادر ساخته است تا آنجا که به رفع نیازهای داخلی مربوط است، به موفقیت‌های روز افزونی دست یابد. در این میان اروپایی‌ها هرچند در طول سالیان گذشته و به واسطه پیروی از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، سعی کردند از طریق متوقف کردن فعالیت شرکت‌های خود در ایران، تهران را وادار به کرنش در قبال سیاست‌های یکسونگرانه غرب در مسأله هسته‌ای نمایند ولی با گذشت زمان و افزایش وابستگی این کشور به منابع انرژی روسیه، حالا این اتحادیه اروپاست که به نوعی در حال پرداختن ضررهای پیروی از سیاست‌های آمریکا بر علیه تهران است.

این موضوع از چند جهت حایز اهمیت است: اول این که شمار کشورهای تأمین‌کننده گاز اتحادیه اروپا، هم اکنون محدود به روسیه، نروژ و الجزایر است و در صورت ادامه روند کنونی، میزان وابستگی این اتحادیه به روس‌ها تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۸۴ درصد افزایش خواهد یافت. دوم این که مخالفت آمریکا با توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز ایران، کشورهای مصرف‌کننده و مخصوصاً اعضای اتحادیه اروپا را از در اختیار داشتن منابع کافی نفت و گاز ایران محروم کرده است. مسأله سوم، در اختیار نبودن چنین ظرفیتی برای اتحادیه اروپا در سایر مناطق جهان است. در چنین شرایطی باید گفت که منافع اروپایی‌ها همیشه با منافع آمریکا همسو نیست و آنها نایبستی اجازه دهند که این کشور آنها را از دسترسی به میادین نفت و گاز ایران که می‌تواند میزان نفوذ روسیه را در بازار گاز اروپا کاهش دهد، محروم کند.

تأمین اهداف سیاسی آمریکا، باعث شده است که اروپا منافع خود را قربانی کند ولی روسیه و چین از آب گل‌آلود آن ماهی‌های درشت بگیرند.



روی بلوک سیزدهم میدان گازی پارس جنوبی، به حوزه نفتی دیگری منتقل کند که استخراج آن می‌تواند بعدها آغاز شود. در چنین شرایطی، هر چند شرکت گاز پروم به سبب عدم فعالیت جدی رقبای خود در ایران تحت فشارهای آمریکا، توانسته با نادیده گرفتن تحریم‌های بین‌المللی، قراردادهایی را با صنعت نفت و گاز ایران منعقد کند ولی از دیدگاه رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های خبری مانند «دویچه وله» آلمان، حضور گاز پروم در ایران، به معنای تأخیر برنامه‌ها و در عین حال چشم‌پوشی از تکنولوژی برتر خواهد بود.

کاملاً مشخص است که حضور گاز پروم در ایران سبب افزایش قدرت روسیه در بازار خواهد بود، چون شرکت‌های غربی با خالی کردن میدان، رقیب جدیدی را بدون این که هیچ تلاشی انجام داده باشد، وارد عرصه کرده‌اند و از آنجایی که این شرکت توان خوبی در بازی دادن کشورهای اروپایی دارد، اتحادیه اروپا باید بپذیرد که «گاز پروم»، به یک ابرقدرت در صحنه انرژی جهانی تبدیل شده و اهمیت روسیه را از جنبه صرفاً «ژئوپلیتیک» به «ژئواکونومیک» ارتقا داده است.

در چنین شرایطی، کشورهای غربی که در تلاش برای کاهش تسلط روسیه بر بازار انرژی اروپا هستند، اینک دو گزینه را پیش رو دارند: اول این که بدون توجه به سیاست‌های آمریکا و ادعاهای بی‌پایه و اساس این کشور علیه ایران، آگاهانه منابع مالی و تکنولوژی مورد نیاز تهران را برای بهره‌برداری از منابع انرژی خود تأمین کنند، یا این که سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران را متوقف ساخته و تنها امیدوار باشند که ایران مجبور به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود شود. ■

هر چند تاکنون بیشتر تحریم‌های مصوب علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل، شامل حوزه‌های بانکداری، هسته‌ای و موشکی بوده است، ولی تعدادی از شرکت‌های اروپایی فعال در صنعت نفت و گاز را، به دلیل فشارهای آمریکا در خارج از شورای امنیت، به متوقف کردن فعالیت‌های خود در ایران مجبور کرده است. این اقدام شرکت‌های غربی، همزمان با تشدید بحران انرژی در جهان، بیش از همه روس‌ها را شادمان می‌کند، چون متوقف شدن فعالیت شرکت‌های اروپایی در ایران - که دومین ذخایر گازی بزرگ جهان را در اختیار دارد - روسیه را به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده انرژی غرب، در موقعیتی بهتر قرار خواهد داد.

این در حالی است که با متوقف شدن فعالیت شرکت‌های غربی مانند توتال فرانسه، رویال داچ شل و غیره، عرصه برای شرکت‌های روسی، چینی و سایر شرکت‌های آسیایی بازتر شده است. در این میان شرکت گاز پروم روسیه، بیش از همه مایل به مشارکت با ایران است. این مشارکت، گاز پروم را به تنها تأمین‌کننده گاز اروپا تبدیل خواهد کرد. برخورداری از چنین جایگاهی، در کنار افزایش تقاضای جهانی گاز، این امکان را برای کرملین به وجود آورده است تا بتواند بر کشورهای مشتری خود، یعنی کشورهای عضو شورای سابق، اروپای مرکزی و نیز غربی فشار وارد آورد؛ کشورهایی که بعضاً بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد به واردات گاز از روسیه وابسته هستند. تلاش‌های چشمگیر شرکت‌های روسی و در صدر آنها گاز پروم، برای تقویت حضورشان در کشورهای غنی گازی، مخصوصاً ایران، در شرایطی صورت می‌گیرد که شرکت‌های اروپایی علی‌رغم این که می‌دانند خروج از ایران به معنای تقویت جایگاه رقبای چینی و روسی آنها است، همچنان در خصوص آینده روابطشان با ایران تصمیمات جدی نگرفته‌اند. سخنگوی شرکت توتال، با اشاره به این که «زمان، اکنون برای سرمایه‌گذاری در ایران مناسب نیست»، از متوقف ماندن فعالیت‌های شرکت متبوعش در ایران خبر داده است. شرکت «رپسل» نیز به عنوان شریک اسپانیایی شرکت «شل»، هنوز درباره آینده مذاکراتش با ایران تصمیم نگرفته و در همین حال شرکت «انی» ایتالیا و «استات اوپیل هیدرو» نروژ هم قصد دارند قراردادهای فعلی خود را حفظ کنند، اما حاضر به عقد قرارداد تازه نیستند. این در حالی است که شرکت رویال داچ شل، به عنوان بزرگترین شرکت نفتی و گازی اروپا، تصمیم دارد سرمایه‌گذاری خود را